

له وعلیه

رتال جامع علوم انسانی



چکیده

نگارنده در این مقاله به بررسی و نقد و تحلیل بیاموزیم «علیه و له» (کتاب زبان فارسی سال اول دبیرستان، صفحه‌ی ۱۵) پرداخته است. وی استدلال کتاب را در مورد تصحیح بودن کاربرد «بر علیه و بر له» رد کرده و در نهایت کاربرد هر دو شکل آن‌ها (علیه، بر علیه، له و بر له) را صحیح و دستوری دانسته است.

در یکی از «بیاموزیم»‌های زبان فارسی سال اول دبیرستان، کاربرد «علیه و له» بر کاربرد «بر علیه و بر له» ترجیح داده شده است. با این استدلال که «علیه» به معنی «بر او» ضد «او» از «علی: بر» و «ه: او» ساخته شده است، در نتیجه به کار بردن «بر» در کنار «علیه» حشو و غلط است. از این رو جملاتی از قبیل «او بر له و بر علیه کسی اقدامی نکرد» نادرست است.^۱

♦ خسرو عباسی (متولد ۱۳۴۹ - ساری)

دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه اراک و مدرک کارشناسی ارشد

زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه آزاد واحد

تهران مرکزی است و در دبیرستان‌ها و مراکز

پیش‌دانشگاهی آموزشی و پرورشی تاخته‌ی

(۲) شهرستان ساری و بعضی از مراکز

دانشگاهی تدریس می‌کند.

له و علیه وام‌گیری، تکواژ، تحلیل

معنایی، سبب و غیر سبب

پیشینه‌ی مطالعات

معین «علیه و له» را متشکل از حرف اضافه (علی، ل) و ضمیر (ه: او) می‌داند. وی علیه (یا بر علیه) را در فارسی، حرف اضافه و به معنی ضدّ او و به زبان وی و له (یا بر له) را به سود او و به نفع او معرفی می‌کند. معین به نقل از احمد خراسانی کاربرد «بر» را همراه ترکیب «علیه» به سبب وجود حرف اضافه علی (بر) ناصحیح می‌داند (معین، ج: ۴، ص ۲۱۲)

خانلری این ترکیب^۱ را زشت و کاربرد آن را در زبان فارسی ناصحیح می‌داند. به اعتقاد وی به جای ترکیب «بر علیه» باید از معادل‌های «به ضدّ و به خلاف» و امثال آن استفاده کرد و هم چنین به اعتقاد وی در فارسی نه «بر علیه» چیزی یا کسی مبارزه می‌کنند و نه «بر ضدّ» آن؛ بلکه با چیزی یا کسی می‌جنگند و پیکار می‌کنند. ظاهراً خانلری علاوه بر اشکال معنایی، ایراد نحوی نیز بر آن وارد می‌داند و این گونه بیان می‌دارد که «مثلاً می‌نویسیم بر علیه... مبارزه کنید» اولاً «بر علیه چیست؟ علیه = بر او. بر علیه = بر بر او». خانلری افزون «بر» را به ترکیب «علیه: بر او» حشو می‌داند. (خانلری، ص ۳۵۷)

به اعتقاد نجفی حرف اضافه «علیه» یا «بر علیه» را نخستین بار در حدود یک قرن پیش، مترجمان ترک زبان به ازای contre فرانسوی و against انگلیسی به کار بردند و مترجمان فارسی نیز به تقلید از آن‌ها این کلمه را در زبان فارسی رواج دادند. نجفی نیز مانند خانلری به کاربرد این واژه در زبان فارسی اشکال می‌گیرد و معتقد است که در زبان فارسی حروف اضافه‌ی دیگری (از قبیل: با، بر، در برابر، بر ضدّ، بر رغم، برخلاف و جز این‌ها) هم هست که در بسیاری از موارد می‌توان آن‌ها را به جای «علیه» به کار برد. (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱)

نگارنده در ابتدا قصد دارد این دو ترکیب را از دو بعد «صرفی-نحوی» و «معنایی» تحلیل کند تا علاوه بر روشن شدن ابعاد این موضوع، نقاط ضعف استدلال به کار رفته، در مورد ناصحیح بودن کاربرد «بر علیه و بر له»^۲، کاملاً مشخص گردد و سپس از دیدگاه زبان‌شناختی به توجیه آن می‌پردازد.

الف) تحلیل صرفی و نحوی

معمولاً زبان‌ها در وام‌گیری واژگان دستوری نسبت به واژگان قاموسی، مقاومت بیش تری از خود نشان می‌دهند. حروف اضافه از جمله تکواژهای دستوری است که هرگز از

زبانی وام گرفته نمی‌شود و یا به ندرت این کار صورت می‌گیرد. در وام‌گیری‌های فراوانی که زبان فارسی در طول تاریخ از زبان‌های مختلف، از جمله عربی داشته، هرگز چنین وام‌گیری‌ای مشاهده نشده است. همه بر این نکته واقفیم که بدترین و مخرب‌ترین نوع وام‌گیری آن است که ساخت دستوری زبان مبدأ در زبان مقصد نفوذ کند. بهره‌گیری از واژگان زبان مبدأ در حد اعتدال موجب غنی‌تر شدن زبان مقصد می‌گردد، اما نفوذ نظام نحوی-صرفی زبان مبدأ نوعی اختلال در زبان مقصد محسوب می‌شود.

القای چنین سخنی که «علی» در زبان فارسی حرف اضافه است و افزودن حرف اضافه‌ی «بر» به آن «حشو» و در نتیجه نادرست، با هدف و قصد «بیاموزیم‌های کتاب» ناسازگار است. درحقیقت این سخن، القا و تحمیل ساخت نحوی-صرفی عربی بر زبان فارسی است. به عبارت دیگر، با این تجویز ما باید «علی» را یکی از حرف‌های اضافه بدانیم که جزء تکواژهای دستوری (grammatical morpheme) زبان فارسی شده است.

اما نکته‌ی بالا (که «علی» را یکی از حرف‌های اضافه در زبان فارسی بدانیم) به دو دلیل از دیدگاه زبان‌شناختی مردود است:

اول- تکواژهای دستوری از قبیل ضمائر اشاره، علایم جمع، حروف اضافه و مانند این‌ها جزء فهرست بسته و محدود در زبان هستند و نمی‌توان بر تعداد اجزای آن‌ها افزود یا از آن‌ها کاست.

البته به ندرت چنین اتفاقی می‌افتد. در میان انواع تکواژهای دستوری فهرست حروف اضافه، ضمائر، شناسه‌ها، شمار (مفرد، مثنی و جمع)، جنس (مذکر، مؤنث و خنثی) و مانند این‌ها کاملاً بسته و محدود است. در نتیجه وام‌گیری «علی» به عنوان حرف اضافه در فارسی منطقی و پذیرفتنی نیست. در واقع تغییر در فهرست تکواژهای اخیر به منزله‌ی تغییر در کل شبکه یا نظام زبان است. (باقری، ص ۱۳۸ و ۱۳۹)

حروف جارّه از قبیل «علی، ل، ب، فی، من، الی، ک...» همیشه به شکل ترکیب، از قبیل: «علی رغم، لهذا، بالفعل، فی الجملة، من بعد، الیه...» در زبان فارسی کاربرد دارند. با توجه به کاربرد تقریباً زیاد این ترکیبات، هرگز این حروف از ترکیبات خود جدا نشده‌اند تا بتوانند در زبان فارسی نقش



۴) ساخت تسلیحات هسته‌ای، اقدامی علی حیات بشری است. اگر مروری دوباره به توضیح کتاب در مورد ترکیب «علیه» و «له» داشته باشیم، به اشکال و ضعف بزرگی برخورد می‌کنیم. مؤلفین محترم در این «بیاموزیم» اشاره دارند که «علیه» به معنی «بر او: ضد او» از «علی: بر» و «ه: او» ساخته شده است و به اعتقادشان افزودن «بر» به این ترکیب حشو است اما هیچ اشاره‌ای به وجود ضمیر «ه: او» و نکرده‌اند که افزودن «او» یا «کسی» و یا دیگر واژگان به آن حشو خواهد بود و در نتیجه جمله نادرست می‌شود. آیا طبق نظر کتاب نباید عبارات زیر نادرست باشند؟

- ملت ایران علیه (ضد او) رژیم

سلطنتی قیام کرد.

- او له و علیه (به نفع او و ضد او) کسی اقدام نکرد. آیا در این دو جمله ترکیب «رژیم سلطنتی» و «کسی» با وجود «ه: او» حشو یا غیر منطقی نیست؟ چرا از نگاه «بیاموزیم» نادرست نیست؟ و چرا چنین جملاتی در زبان فارسی به کار می‌روند؟

ب) تحلیل معنایی

طبق توضیح کتاب، ترکیب «علیه» به معنی «بر ضد او» و ترکیب «له» به معنی «بر نفع او» قابل تعبیر و معنی است. اگر این فرض را که «علی» در زبان فارسی به تنهایی به معنای «بر ضد» است، بپذیریم؛ ضمیر «ه: او» را در این ترکیب چگونه توجیه کنیم. به عبارت دیگر در کاربرد ترکیب «علیه و له» هیچ ارزش نحوی و معنایی برای «ه» در نظر گرفته نمی‌شود و گرنه باید جملات (۵ و ۶) در زبان فارسی کاربرد داشته باشند اما هرگز به کار نمی‌روند و در نظر اهل زبان نیز نادرست‌اند.

۵) آن‌ها علیه اقدام کردند.

«متمم‌ساز» داشته باشند. اکثر این ترکیبات مفهوم واژگانی دارند و دچار تغییر مقوله شده‌اند به عبارت دیگر کاربرد قیدی پیدا کرده‌اند. به همین دلیل جملات (۱ و ۲) نادرستی هستند. (۱) او من مدرسه تا خانه پیاده آمد.

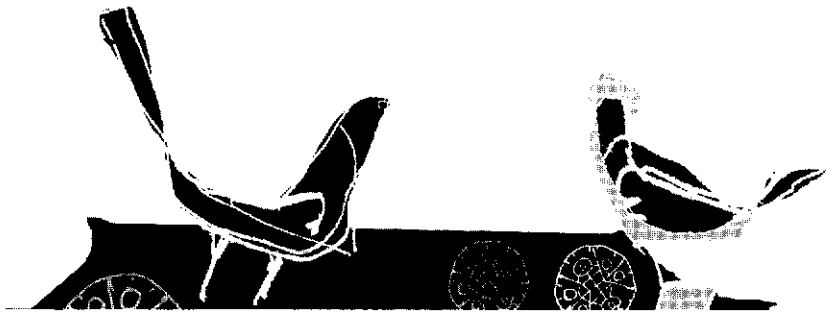
(۲) فی دادگاه هیچ سخنی علی ضد شما نمی‌گویم.

حتی این احتمال نادرست را که «علی» در فهرست بسته‌ی حروف اضافه‌ی فارسی نفوذ کرده با دلیل دوم قابل رد است.

دوم - یکی از ویژگی‌های اصلی تکواژهای دستوری این است که بسامد وقوع آن‌ها (یعنی مقدار کاربرد آن‌ها) در جمله‌ی بالاست؛ به عبارت دیگر نسبت به تکواژهای قاموسی یا واژگانی که فهرست باز دارند، کاربرد بیش‌تر دارند (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۹۵). حال با این توضیح «علی» و «ل» جز به شکل ترکیبات عربی با کدام واژه‌ی فارسی حتی برای یک بار ترکیب شده‌اند؟ یا حتی به طور مجزاً در جمله به عنوان «متمم‌ساز» به کار رفته‌اند. نادرستی بودن نمونه‌ی مثال‌های (۳ و ۴) گواه این مدعاست.

۳) ساخت تسلیحات هسته‌ای، اقدامی علی ضد حیات

بشری است.



۶) ملت ایران علیه قیام کردند.

حتی در کنار علیه (ضد او) یا له (نفع او) ضمایر من، تو، او، ... افزوده می شود و جمله بی معنا و نادستوری نمی شود. مانند جمله های (۷ و ۸)؛

۷) متأسفانه دوستم علیه (ضد او) من شهادت داد.

۸) متأسفانه دوستم علیه (ضد او) تو شهادت داد.

با این توصیف «علیه و له» در زبان فارسی فقط به معنای ضد و نفع است و تفکیک آن ها به اجزای سازنده شان درست نیست.

تحلیل زبان شناختی

حال از دیدگاه زبان شناختی به توجیه کاربرد «علیه، له و بر علیه و برله» می پردازیم.

از دیدگاه زبان شناسی واژه های غیر بسیطی که از زبان مبدأ، وارد زبانی می شوند در حکم واژه های بسیط تلقی می گردند. چنین واژه هایی تابع نظام صرفی- نحوی و معنایی زبان مقصد می شوند. مگر واژه ای که دارای نشانه های صوری باشد و برای گویشور زبان، قابل شناسایی یا تفکیک باشد. مثل نشانه های جمع عربی که هر چند با واژه های بسیاری همراه اند، اما قابل تفکیک اند و این نشانه ها را حتی با کلمات فارسی نیز به کار گرفتند (نشانه ی جمع «ات» از آن جمله است). حتی گویشور زبان گاهی واژه های بسیط زبان مبدأ را به جهت دارا بودن شباهت ظاهری با نشانه ها یا تکواژهایی از زبان مقصد، آن را تفکیک کرده، واژه های جدیدی از آن ساخته اند. از قبیل: «دوقلو» که یک واژه ی ترکی است و از «دوق»، از مصدر دقماق به معنی زادن و «لو» علامت نسبت در ترکی، تشکیل شده است ولی فارسی زبانان آن را به صورت «دو+ قلو» تجزیه کرده اند و جزء اول آن را با «دو» فارسی یکی دانسته اند و از روی الگوی آن سه قلو و چهار قلو ساخته اند. (باطنی، ص ۱۴۶)

در زبان فارسی نیز قاعده ی بالا مصداق می یابد. ترکیب «علیه و له» که در عربی از حروف جاره «علی و ل» و ضمیر متصل «ه: او» ساخته شده، در نظر اهل زبان فارسی، در حکم یک واژه ی بسیط به معنای «ضد و نفع» تلقی می شود. به عبارت دیگر این ترکیبات فقط به معنی ضد و نفع در زبان فارسی به کار می روند. به همین سبب بدون توجه به ریشه ی آن در زبان مبدأ (عربی) و با توجه به معنایی کاربردی آن در زبان مقصد (فارسی)

حرف اضافه ی «بر» را قبل از آن و مضاف الیه را بعد از آن می افزایند. در نتیجه به هیچ وجه افزودن «بر» به آن حشو نیست. همان طوری که افزودن مضاف الیه (ضمایر و اسم) به آن «حشو» نیست.

علاوه بر آن در هر زبانی قواعد ترکیب خاصی حاکم است. این قواعد در حکم صافی و فیلترهای هستند که هر واحد زبانی زبان مبدأ به هنگام وارد شدن در زبان مقصد از این صافی ها عبور می کند تا خود را با قوانین و قواعد زبان مقصد وفق دهد.

ترکیب «علیه» هم باید در حوزه ی نحو، خود را با قواعد هم نشینی که در ساخت گروه های اسمی و متممی (گروه حرف اضافه دار) نقش دارند، وفق دهد و در کنار حرف اضافه ی فارسی قرار گیرد و همین طور برای تشکیل ترکیب اضافی نیز به مانند دیگر ترکیب های اضافی، نقش نمای اضافه بگیرد. در واقع در این حوزه قادر نیست قواعد هم نشینی عربی (جار و مجرور) را بر ساخت گروه متممی (گروه حرف اضافه دار) و ساخت ترکیب اضافی فارسی تحمیل کند. به همین دلیل به طور خودکار و طبیعی گویشوران حرف اضافه «بر» و نقش نمای اضافه را به آن ها می افزایند.

حال سؤال دیگری که در این خصوص مطرح است، این است که چرا «علیه و له» بدون حرف اضافه هم کاربرد دارد و درست به نظر می رسد؟ توجیه آن، این است که گاهی در اثر کاربرد زیاد، حرف اضافه در کنار متمم به کار نمی رود و حذف می شود.

در مورد حذف حرف اضافه علاوه بر بسامد وقوع، در بعضی موارد ویژگی ها و مؤلفه های معنایی خود فعل نیز در امکان حذف حرف اضافه تأثیر به سزایی دارند. (غفاری، ص ۴۰)

جمله های (۹ و ۱۰) از این نوع اند.

۹- او خونه رفت. به جای «او به خانه رفت.»

۱۰- او مدرسه است. به جای «او در مدرسه است.»

خانلری نیز حذف حرف اضافه را تأیید نموده و معتقد است که در نوشته ی معاصران جمله هایی را با حذف حرف اضافه و استعمال اسم یا قیدی به جای آن می بینیم؛ (خانلری، ص ۳۳۰)

۱۱- «طبق دستور رفتار کنید» به جای «بر طبق دستور رفتار کنید.»

۱۲- «او ضد من، حرف های زیادی گفت.» به جای «او بر ضد من، حرف های زیادی گفت.»



دفتر انتشارات کمک آموزشی

آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- **رشد نواآموز** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- **رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا**

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- **رشد برهان راهنمایی** (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، **رشد برهان متوسطه** (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، **رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا**
- رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان**
- رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک**
- رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن**
- رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای**
- و رشد مشاور مدرسه**

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، آموزگاران، مدیران و کادر اجرایی مدارس

دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۳۷۸

نتیجه گیری

«علیه و له» در زبان فارسی با توجه به دلایل و شواهد ارائه شده به هیچ وجه ترکیب نیستند بلکه در حکم یک واژه ی بسیط (ساده) به معنای ضد و نفع اند و لزومی ندارد آن ها را به اجزای سازنده شان تفکیک کنیم. افزودن حرف اضافه «بر» و مضاف الیه به آن ها کاملاً منطقی و دستوری است. نکته ی آخر آن که از دیدگاه زبان شناختی، هم کاربرد «علیه و له» و هم کاربرد «بر علیه و بر له» منطقی و دستوری است. کاربرد هیچ یک بر دیگری ارجحیت ندارد.



پانویس ها

۱. زبان فارسی سال اول دبیرستان. تهران. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران. ص (۱۱۵). (۱۳۸۳).
۲. نگارنده به ناچار و هماهنگ با کاربرد گذشته ی این ترکیبات اصطلاح «ترکیب» را به جای «واژه» به کار می برد هرچند معتقد است و در پایان

منابع

۱. باقری، مهری، مقدمات زبان شناسی، تهران، نشر قطره، (۱۳۷۵)
۲. باطنی، محمدرضا، درباره ی زبان (مجموعه مقالات)، تهران، آگاه، (۱۳۷۴)، صص (۱۲۷-۱۱۷)
۳. خیامپور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، تبریز، ستوده، (۱۳۸۲)
۴. زبان فارسی سال سوم دبیرستان (همه ی رشته ها)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، (۱۳۸۰)
۵. غفاری، مهید، حذف واژگانی به لحاظ معنایی، مجله ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی شماره ی (۶۷)، تهران، (۱۳۸۲). صص (۴۰-۳۶)
۶. مشکور، محمدجواد، دستورنامه (در صرف و نحو زبان پارسی)، تهران، شرق، (۱۳۶۰)
۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، جلد چهارم (ترکیبات خارجی)، (۱۳۶۴)
۸. ناتل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، تهران، توس، (۱۳۷۰)
۹. نجفی، ابوالحسن، غلط نویسیم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ نهم، (۱۳۷۸)
۱۰. -----، مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران، نیلوفر (۱۳۷۱)
11. Trask. R. L, Historical Linguistics, London, by Arnold (P.P 102-128). (1997)